

اعلام آمادگی ۱۲۰۰۰ نفر در گروه پرستاری برای ارائه خدمات داوطلبانه در شرایط جنگی



معاون پرستاری وزارت بهداشت از اعلام آمادگی بیش از ۱۲ هزار نفر در گروه پرستاری برای ارائه خدمات داوطلبانه در شرایط جنگی خبر داد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، دکتر عباس عبادی با بیان اینکه تعداد قابل توجهی از گروه پرستاری برای ارائه خدمات داوطلبانه اعلام آمادگی کرده‌اند، به ایسنا گفت: بالغ بر ۱۲ هزار نفر از گروه پرستاری به وزارت بهداشت و سازمان نظام پرستاری برای ارائه خدمات اعلام آمادگی کرده‌اند.

او گفت: خوشبختانه، نیازی به افسردگی که اعلام آمادگی کرده‌اند تا به این لحظه نداشته‌ایم اما سازماندهی لازم صورت گرفته تا در صورت نیاز به شهرها و بیمارستان‌های مورد نیاز برای ارائه خدمات داوطلبانه اعزام شوند تا خللی در روند ارائه خدمات نداشته باشیم.

او با بیان اینکه ارائه خدمات در مراکز درمانی و بهداشتی ادامه دارد، افزود: خدمات بهداشتی و درمانی با تمام قوا و قوت مانند روزهای گذشته ارائه می‌شود و هیچ خللی در روند ارائه خدمات نداشته‌ایم.

معاون پرستاری وزارت بهداشت تاکید کرد: وضعیت ذخایر دارویی و تجهیزات نیز مناسب است و نگرانی درباره کمبود دارو و تجهیزات نداریم.

او درباره شهدای نظام سلامت توضیح داد: ۲۴ نفر از اعضای گروه سلامت از آغاز جنگ تا به این لحظه (۹ اسفند تا ۱۶ فروردین) شهید شده‌اند که ۱۰ شهید از گروه پرستاری است.

حمله دشمن به ۲۵ واحد و شرکت دارویی



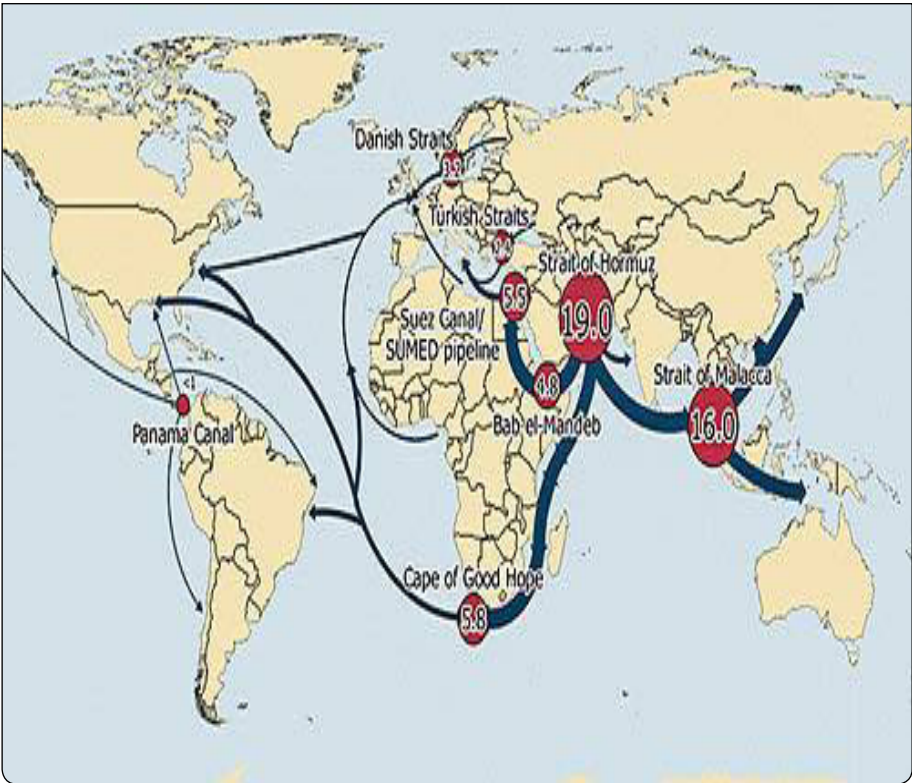
مدیر روابط عمومی انجمن داروسازان ایران گفت: در جریان جنگ تحمیلی اخیر به ۲۵ واحد و شرکت دارویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم حمله شده که در این میان، به ۲ شرکت داروسازی شامل توفیق دارو و انستیتو پاستور ایران به صورت مستقیم حمله‌ای انجام شده است.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، هادی احمدی درباره وضعیت ذخایر دارویی کشور و حمله به شرکت‌های داروسازی به ایرنا افزود: شرکت داروسازی توفیق دارو، ماده اولیه داروهای بیمارستانی و سرطانی را تولید می‌کرد که به صورت مستقیم مورد حمله واقع شده است همچنین انستیتو پاستور ایران که یکی از مراکز مهم تولید واکسن در کشور محسوب می‌شود و بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد، مورد حمله مستقیم قرار گرفته است.

وی ادامه داد: انبارهای برخی شرکت‌های توزیع کننده دارو به صورت غیرمستقیم مورد حمله واقع شده و برخی واحدهای تولیدی شرکت‌های داروسازی نیز با حملات دشمن مواجه بوده‌اند.

مدیر روابط عمومی انجمن داروسازان ایران اظهار کرد: ۲۴۰ کارخانه تولید دارو در کل کشور داریم و همچنین ۸۰ کارخانه تولید مواد اولیه دارویی در کشور وجود دارد؛ در نتیجه در زمینه تولید دارو و واکسن در حال حاضر مشکلی وجود ندارد و واحدهای دارویی در حال کار هستند.

احمدی افزود: سال‌هاست کشور ما مورد تحریم واقع شده و علاوه بر دوران هشت ساله دفاع مقدس، دوران کرونا و جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشته‌ایم و تجربه‌های بسیاری کسب شده است؛ در نتیجه حمله دشمن به چند کارخانه دارویی، باعث نمی‌شود که چرخه دارویی از کار بیفتد.



که منجر به توقف تولید شد. این امر تولید انرژی در یکی از ثروتمندترین بازارهای انرژی جهان را مختل کرده است. در واقع، این جنگ چالش‌های بزرگی را بر تولید انرژی در سراسر منطقه تحمیل کرده است. عراق و کویت به دلیل تکمیل ظرفیت ذخیره‌سازی از اوایل مارس ۲۰۲۶ مجبور به کاهش تولید شدند، همچنین قطر پس از حملات پهپادی، تولید گاز طبیعی مایع (LNG) را در راس لفان و مسعید متوقف کرد. این امر منجر به کاهش ۲۰ درصدی صادرات جهانی گاز و همچنین کاهش مشابه عرضه نفت و گاز به بازارهای جهانی شد. در نتیجه، کمبود عرضه قیمت‌ها را افزایش داد و نفت برای اولین بار از زمان جنگ روسیه و اوکراین از ۱۰۰ دلار در هر بشکه فراتر رفت. این درگیری شامل حملات متقابل بین ایران و ایالات متحده و اسرائیل بوده که بر تولید و صادرات انرژی تأثیر بیشتری گذاشته است. البته، عربستان سعودی تلاش کرد با صادرات از طریق خط لوله شرق-غرب به بندر ینبع در دریای سرخ، این کمبود را جبران کند، اما ظرفیت آن به ۵ میلیون بشکه در روز محدود شده است که عملاً تولید نفت عربستان را تقریباً به نصف کاهش می‌دهد.

همچنین، عراق به دنبال مسیرهای صادراتی جایگزین بوده و خط لوله کرکوک-جیحان را برای صادرات از طریق مدیترانه دوباره فعال کرده است. صادرات اولیه ۱۷۰ هزار بشکه در روز تخمین زده می‌شود و برنامه‌هایی برای رسیدن به ۶۰۰ هزار بشکه وجود دارد. تلاش‌هایی نیز

گروه اقتصاد بین الملل – رضا رضایی – منطقه خلیج فارس یکی از مهمترین مناطق راهبردی برای منافع حیاتی ایالات متحده است، در درجه نخست به این دلیل که حدود ۳۰ درصد از تولید انرژی جهانی از این منطقه تأمین می‌شود. با توجه به پیامدهای جنگ ایالات متحده علیه ایران که باعث بسته شدن تنگه هرمز شد، بازارهای جهانی انرژی دچار اختلال شدیدی شده‌اند. این امر چالش‌های بزرگی را برای تأمین منابع انرژی برای کشورهای تولیدکننده و صادرکننده ایجاد کرده است، به ویژه که جهان همچنان با پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر زنجیره‌های تأمین انرژی دست و پنجه نرم می‌کند.

تأثیر جنگ بر تولید انرژی

جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، از جمله جدی‌ترین تهدیدات برای منابع انرژی در منطقه خلیج فارس است. اسرائیل تأسیسات ذخیره‌سازی نفت ایران و میدان گازی پارس جنوبی را هدف قرار داد و ایران را بر آن داشت تا با هدف قرار دادن ایستگاه‌های انرژی و تأسیسات ذخیره‌سازی نفت و گاز در کشورهای خلیج فارس و رژیم اسرائیل، این امر تلافی کند که به طور قابل توجهی بر تولید نفت تأثیر گذاشته است.

علاوه بر این، بستن تنگه هرمز توسط ایران و جلوگیری از ترانزیت دریایی، میادین نفتی و گازی در کشورهای خلیج فارس و عراق را مجبور به اعلام وضعیت اضطراری کرد

«سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

تغییر ساختار بازار انرژی در سایه تحولات هرمز

واکاوی چالش‌های کشورهای واردکننده انرژی

تغییر شکل ساختار انرژی جهانی

جنگ اخیر باعث یک تحول بزرگ در سیستم انرژی جهانی شده که فراتر از نوسانات قیمت، زنجیره‌های تأمین را به طور اساسی تغییر شکل داد. صفحه آراخ عسگری دوستان: ه است و عبارتند از: ۱- پایان «انرژی ارزان و پایدار»: یک ریسک ژئوپلیتیکی دائمی به قیمت نفت اضافه شده است. ۲- شتاب به سمت انرژی جایگزین و هسته‌ای: کشورها سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در هیدروژن سبز و راکتورهای مدولار کوچک انجام می‌دهند. ۳- ترسیم مجدد مسیرهای تجاری: روسیه، آفریقا و برزیل به تأمین کنندگان جایگزین، به‌ویژه برای آسیا و اروپا، تبدیل شده‌اند. ۴- نظامی‌سازی مسیرهای انرژی: امنیت انرژی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک اولویت نظامی در نظر گرفته می‌شود. ۵- بحران LNG و حاکمیت انرژی: اختلالات عرضه، به‌ویژه در کشورهای مجبور کرده که موقتاً به زغال سنگ روی آورند یا عملیات نیروگاه‌های هسته‌ای را گسترش دهند. ۶- ظهور فناوری شناورهای LNG (FSRU): کشورها در حال سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های واردات انعطاف‌پذیر هستند تا وابستگی به خطوط لوله را کاهش دهند.

نتیجه‌گیری

در مجموع، جهان به سمت یک سیستم انرژی غیرمتمرکز در حال حرکت است که مناطق مختلف قصد دارند منابع را به صورت محلی یا از طریق مسیرهای متنوع تأمین کنند و وابستگی به گلوگاه‌های دریایی حیاتی را کاهش دهند. این بحران همچنین سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر را تسریع می‌کند که احتمالاً اثرات مثبت بلندمدتی بر کاهش آلودگی و تغییرات اقلیمی داشته باشد. همچنین، کشورهای صادرکننده انرژی در خلیج فارس به دنبال مسیرهای صادراتی جایگزین، البته با ظرفیت کمتر هستند. این امر یک آسیب‌پذیری راهبردی حیاتی را آشکار کرده است، به‌ویژه برای کشورهای مانند عراق که به جای تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های انرژی خود، شدیداً به یک مسیر صادراتی واحد از طریق تنگه هرمز متکی بودند.

کارشناس امور دریایی تشریح کرد:

«بهره‌گیری هدفمند از تنگه هرمز» اعمال فشار بر قدرت‌های جهانی

می‌کنند، مضر تلقی کرده و اقدامات لازم را علیه آن‌ها انجام دهند. این امر به‌ویژه در مسیرهای رفت و برگشت کشتی‌ها در خلیج فارس، که از دریای سرزمینی ایران عبور می‌کنند، قابل اجرا است.

اعتمادی گفت: در خصوص کشتی‌های جنگی نیز، هر چند امکان بازرسی یا توقیف آن‌ها وجود ندارد، اما ایران می‌تواند بر اساس مقررات بین‌المللی، از آن‌ها بخواهد که آب‌های سرزمینی را ترک کنند یا عبور آن‌ها را مشروط به دریافت مجوز قبلی نماید.

وی اظهار داشت: چهارمین ابزار، اعمال محاصره دریایی است. این اقدام به معنای جلوگیری از تردد کشتی‌ها به سمت بنادر دشمن بوده و در صورت نقض، می‌تواند به توقیف کشتی منجر شود. این سیاست می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق شناسایی و محدودسازی شرکت‌ها و کشتی‌های همکار با طرف‌های متخاصم، اجرا شود.

رئیس کمیته کانترینی انجمن کشتیرانی ایران بیان داشت: پنجمین ظرفیت، تعلیق عبور بی‌ضرر در بخش‌هایی از دریای سرزمینی است. بر اساس ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۸۲، دولت ساحلی می‌تواند در صورت ضرورت امنیتی، عبور کشتی‌ها را در مناطق خاصی به طور موقت متوقف کند، مشروط بر آنکه این تصمیم به‌صورت عمومی اعلام شود. وی تصریح کرد: در نهایت، موضوع «مسدودسازی تنگه هرمز» مطرح می‌شود که به عنوان شدیدترین اقدام قابل تصور شناخته می‌شود. اگرچه در زمان صلح این اقدام غیرقانونی است، اما در شرایط جنگی و در صورت تهدید مستقیم امنیت ملی، امکان بررسی آن در چارچوب حقوقی خاص وجود دارد. با این حال، اجرای چنین اقدامی مستلزم ارزیابی دقیق پیامدهای حقوقی، اقتصادی و نظامی و مدیریت تبعات آن در سطح بین‌المللی است. اعتمادی معتقد است: در مجموع، بهره‌گیری از ظرفیت‌های خلیج فارس و تنگه هرمز، می‌تواند به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر قدرت‌های جهانی و تأثیرگذاری بر اقتصاد آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد همچنین می‌تواند کشورهای منطقه را از مشارکت غیرمستقیم در اقدامات خصمانه علیه ایران بازدارد.

وی گفت: بر این اساس، توصیه می‌شود که استفاده از این ابزارها به‌صورت تدریجی، هدفمند و افزایشی صورت گیرد تا ضمن کنترل پیامدها، امکان تشدید اقدامات در مراحل بعدی نیز حفظ شود. برای نمونه، ایجاد اختلال غیرمستقیم در امنیت دریانوردی یا توقیف موردی کشتی‌ها بدون اعلام رسمی انسداد، می‌تواند بخشی از اهداف راهبردی را محقق کند، در حالی که همچنان گزینه‌های شدیدتر برای مراحل بعدی محفوظ باقی بماند.

رئیس کمیته کانترینی انجمن کشتیرانی ایران خاطر نشان کرد: بدیهی است که در چنین رویکردی، احتمال حرکت به سمت بالاترین سطح اقدام، یعنی انسداد کامل تنگه، نیز وجود خواهد داشت.



رژیم حاکم بر تنگه هرمز را «عبور بی‌ضرر» تلقی کند؛ رژیمی که در شرایط جنگی قابلیت تعلیق دارد. بر این اساس، ایران از منظر حقوقی، ابزارهای متعددی برای اعمال کنترل و مدیریت این گذرگاه راهبردی در اختیار دارد. اعتمادی بیان داشت: نخستین ابزار، امکان اخذ عوارض از کشتی‌های خارجی در ازای ارائه خدمات خاص، از جمله تأمین امنیت است. هرچند طبق ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریافت عوارض صرفاً به دلیل عبور کشتی‌ها مجاز نیست، اما در صورت تعریف تأمین امنیت به عنوان یک خدمت مشخص، امکان استفاده از این ظرفیت وجود دارد. با این حال، تحریم‌های مالی و محدودیت‌های بانکی ممکن است مانع از اجرای عملی این سیاست شود.

وی ادامه داد: دومین ابزار، بازرسی کشتی‌های تجاری در زمان جنگ است. بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مجازند برای جلوگیری از کمک‌رسانی به دشمن، فعالیت‌های تجاری را کنترل کنند. این اقدام در جنگ‌های مختلف سابقه داشته و به عنوان یک رویه پذیرفته‌شده بین‌المللی شناخته می‌شود.

رئیس کمیته کانترینی انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران اضافه کرد: سوم، امکان مضر تلقی کردن عبور و توقیف کشتی‌ها در دریای سرزمینی است. طبق ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲، عبور زمانی بی‌ضرر تلقی می‌شود که به صلح، نظم و امنیت دولت ساحلی لطمه وارد نکند.

وی یادآوری کرد: در شرایط جنگی، دولت‌ها می‌توانند عبور کشتی‌هایی را که به نوعی در حمایت از دشمن عمل

افزایش می‌دهد و ثبات اقتصادی بین‌المللی را تهدید می‌کند.

وی در ادامه توضیح داد: از منظر حقوق بین‌الملل دریاها، دو رژیم حقوقی برای عبور از تنگه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است: «عبور بی‌ضرر غیرقابل تعلیق» و «عبور ترانزیت». کنوانسیون‌های ۱۹۵۸، نظام عبور بی‌ضرر را برای تنگه‌ها تعریف کردند، اما به دلیل محدودیت‌هایی که این نظام برای کشتی‌ها و هواگردها ایجاد می‌کرد، با مخالفت قدرت‌های دریایی مواجه شد. در نتیجه، در کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ (UNCLOS) و هم‌زمان با افزایش عرض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل، نظام «عبور ترانزیت» معرفی شد.

رئیس کمیته کانترینی انجمن کشتیرانی ایران اظهار داشت: بر اساس این نظام، در حالی که عبور از دریای سرزمینی کشورها تابع اصل عبور بی‌ضرر است، تنگه‌های بین‌المللی مانند تنگه هرمز که در محدوده دریای سرزمینی دو کشور قرار دارند، مشمول رژیم عبور ترانزیت هستند. با این حال، ایران با وجود امضای کنوانسیون ۱۹۸۲، آن را به تصویب نرسانده و در بیانیه تفسیری خود تأکید کرده است که نظام عبور ترانزیت، حاصل یک توافق قراردادی بوده و ماهیت عرفی ندارد. ایران همچنین اعلام کرده است که این رژیم صرفاً در روابط میان کشورهای عضو کنوانسیون معتبر است.

وی افزود: این موضع حقوقی که با مفهوم «معتزض مستمر» نیز تقویت می‌شود، موجب شده است که ایران همچنان